

حضرت امام سپس به دو اشکال اشاره می کنند:

«و ما قيل: من أن التعلّق قهري لا يحتاج إلى الغاية، في غاية السقوط، كما تقدّم.

كما أن ما قيل:- من أن الإرادة التشريعيّة تابعة للتكوينية إمكانا و امتناعا، و وجودا و عدما، فكلّ ما يكون موردا للإرادة التكوينيّة عند تحققها من نفس المرید، يكون موردا للتشريعيّة عند صدورها من غير المرید- ممّا لا برهان عليه، بل البرهان على خلافه، لأنّ المرید لإيجاد الفعل لمّا رأى توقفه على المقدّمة، فلا محالة يكون جميع مبادئ إرادة المقدّمة موجودة في نفسه، من التصوّر، و التصديق بالفائدة، و الاشتياق التبعيّ في بعض الأحيان، و الغاية هي التوصل إلى ذي المقدّمة.

و أمّا الإرادة التشريعيّة، فليست إلّا إرادة البعث إلى الشيء، و أمّا إرادة نفس عمل الغير فغير معقولة، لأنّ عمل كلّ أحد متعلق إرادة نفسه لا غيره.

نعم يمكن اشتياق صدور عمل من الغير، لكن قد عرفت مرارا أن الاشتياق غير الإرادة التي هي تصميم العزم على الإيجاد، و هذا ممّا لا يتصوّر تعلقه بفعل الغير.

فإرادة البعث لا بدّ لها من مباد موجودة في نفس المولى، [و هي] بالنسبة إلى ذي المقدّمة موجودة، لأنّ غاية البعث هو التوصل إلى المبعوث إليه و لو إمكانا و هو حاصل.

و أمّا إرادة البعث إلى المقدّمات ممّا لا فائدة لها و لا غاية، لأنّ البعث إلى ذي المقدّمة إن كان مؤثرا في نفس العبد، فلا يمكن انبعث فوق الانبعث، و إلّا فلا يمكن أن يكون البعث الغيري موجبا لانبعثه مع كونه لنفس التوصل إلى ذي المقدّمة، و مع عدم ترتب أثر عليه من الثواب و العقاب، فحيثئذ تكون إرادة البعث من دون تماميّة المبادئ من قبيل وجود المعلول بلا علّة تامّة. نعم، يمكن تعلقها بها إرشادا، أو لتأكيد ذي المقدّمة كناية.»<sup>۱</sup>

توضیح:

۱. [گفتیم بعث به مقدمه هیچ ثمره ای ندارد و هیچ تاثیری در مکلف نمی گذارد، پس لغو است].
۲. ان قلت: تعلق بعث به مقدمه، قهري است و محتاج ثمره نیست.
۳. قلت: این سخن را رد کردیم.

۱. امام خمینی، روح الله، مناهج الوصول إلى علم الأصول، ج ۱، ص ۴۱۲.



۴. ان قلت: اراده تشریحیه تابع اراده تکوینیه است، و همانطور که در اراده تکوینی، اراده انجام مقدمه هست در اراده تشریحی هم هست [سخن مرحوم نائینی که ذکر آن را داشتیم]
۵. قلت: این سخن باطل است چراکه در اراده تکوینی، عبد برای وصول به ذی المقدمه، می خواهد که مقدمه را هم انجام دهد و لذا مبادی اراده مقدمه را هم فراهم می کند، ولی در اراده تشریحیه:
۶. آمر فقط اراده می کند «بعث به ذی المقدمه» را، اما اعمال مکلف مورد آمر قرار نمیگردد چراکه هر کس فقط اعمال خود را اراده می کند. (و فعل آمر، امر کردن است)
۷. البته آمر نسبت به افعال مکلف مشتاق است ولی اشتیاق غیر از اراده است.
۸. پس آمر اراده کرده است بعث (امر کردن) را، و این اراده دارای مبادی است.
۹. حال توجه شود که آمر اراده کرده است «بعث به ذی المقدمه» را چراکه این چنین بعثی دارای غایت است و آمر چنین کاری می کند (غایت این بعث، فراهم آوردن امکان حصول ذی المقدمه است)
۱۰. ولی آمر اراده نکرده است، «بعث به مقدمه» را، چراکه این چنین بعثی لغو است و دارای غایت نیست چراکه:
۱۱. اگر مکلف بخواهد ذی المقدمه را به جای آورد، لاجرم مقدمه را هم به جای می آورد و انبعث جدیدی حاصل نمی شود و اگر نخواهد ذی المقدمه را به جای آورد، «بعث به مقدمه» نمی تواند مکلف را منبعت کند چراکه اولاً بعث به مقدمه برای رسیدن به ذی المقدمه بوده است و ثانیاً: انجام مقدمه ثواب ندارد ترک آن عقاب ندارد.



حضرت امام در پایان می نویسند:

«و التأمّل الصادق فيما ذكرنا يوجب التصديق به، و المظنون أنّ كلّ ما صدر عن الأعظام من دعوى الوجدان و البرهان نشأ من قياس الإرادة التشريعيّة بالإرادة الفاعليّة، كما تقدّم التصريح به من بعضهم.»<sup>۱</sup>



۱. امام خمینی، روح الله، مناهج الوصول إلى علم الأصول، ج ۱، ص ۴۱۳.

